



سخنی با خواننده،

نسیم مار کسسیم!

صفحه ۳

آذر ماجدی



"حجاب، اسید، اسلام و قانون"

حکومت اسید پاش نمیخوایم!

صفحه ۴

سیاوش دانشپور

سازمان آزادی زن و ابتکار فمینیستی اروپا و کشورهای مدیترانه برگزار میکند:

مصافهای پیشروی جنبش آزادی زن در شمال آفریقا و خاورمیانه

اعدام ریحانه

سلاحی برای سرکوب جنبش اعتراضی!

صفحه ۵

آذر ماجدی

تظاهراتها در دفاع از مردم ایران و کوبانی

اطلاعیه سازمان آزادی زن

"امر به معروف

نمیخوایم!"

پاسخ مردم به اسیدپاشی های اسلامی به چند زن در اصفهان و چند شهر دیگر رژیم اسلامی را در موقعیت سخنی قرار داده است. تظاهرات وسیع، خشمگین و مکرر مردم در اصفهان و تهران و سپس چند شهر دیگر و شعارهایی که ضدیت و انزجار مردم از رژیم اسلامی را بیان می کرد، انعکاس گسترده ای در جهان داشت و رژیم اسلامی را دستپاچه کرد.

شعار "امنیت، آزادی، حق زن ایرانی" و "امر به معروف نمیخوایم" که توسط هزاران نفر فریاد زده می شد، بخوبی نشان می دهد که علیرغم بیش از سی سال سرکوب خشن و زن ستیزی قرون وسطایی و علیرغم علم کردن بربریت داعشی در منطقه که قرار است مردم را آنچنان مرعوب کند که در گوشه خانه ها پناه بگیرند و دم بر نیاورند، جنبش آزادی زن و ضد اسلامی در ایران قوی و توده ای است. تظاهرات وسیع، خشمگین و رادیکال چند روزه پیش در ایران و تظاهرات حمایتی در کشورهای مختلف اروپایی بدنبال تظاهرات حمایتی از مقاومت توده ای در کوبانی، علیه داعش و در محکومیت دولت ترکیه که در ایران، ترکیه و سایر کشورها انجام گرفت، بیانگر تسلیم نشدن مردم به خشونت و بربریت اسلامی است.

صفحه ۲

مصافهای پیشروی جنبش آزادی زن در شمال آفریقا و خاورمیانه

سازمان آزادی زن و ابتکار فمینیستی اروپا و کشورهای مدیترانه، در باره موقعیت زنان در شمال آفریقا و کشورهای خاورمیانه یک کنفرانس بین المللی سازمان داده است. در سه سال گذشته، مردم در منطقه برای خواستهای آزادی و برابری و رفاه و عدالت اجتماعی بپاخواستند. زنان در اعتراض به حکومتها فعالانه خیابانها را تسخیر کردند. زنان در این اعتراضات مورد اذیت و آزار و در مواردی مورد تجاوز جنسی نیروهای امنیتی و باندهای اسلامی قرار گرفتند. در متن اعتراض و خیزش توده ای برای یک دنیای بهتر، زنان هوشیارانه خواهان آزادی و حقوق بیشتر شدند.

این اعتراضات به دنیا نشان داد که مردم منطقه دیگر دیکتاتوری، فقر، فساد دولتی، جنایت و خشونت پلیس را تحمل نمی کنند. اوضاع در بیشتر کشورها بدتر شده است. دولتهای غربی به رهبری آمریکا، دولتهای ارتجاعی منطقه و جنبش اسلام سیاسی با ایجاد جنگ داخلی شرایط وخیمی را در بسیاری کشورها بوجود آورده اند.

ما از فعالان حقوق زن در منطقه دعوت کرده ایم که در این کنفرانس، اوضاع حاد و بحرانی منطقه را بررسی و در مورد راه حلهای مناسب بحث و همفکری کنیم. کنفرانس در روزهای ۱۶-۱۵ نوامبر ۲۰۱۴ در شهر گوتنبرگ سوئد برگزار میشود. از همه علاقه مندان برای شرکت در این کنفرانس دعوت میکنیم با حضور خود و شرکت فعال در مباحث به غنای کنفرانس یاری رسانند.

سخنرانانی که تاکنون شرکت شان قطعی شده است:

هما ارجمند

رولا اسد - سوریه

ناصر القاضی - سوریه

کریمه رشکو - کردستان سوریه

آذر ماجدی

ماجیدا ماریسی - فلسطین

شهلا نوری

لیلین هلس فرنج - فرانسه

شنبه شب: موزیک زنده

اطلاعات بیشتر و دقیقتر در باره کنفرانس و سخنرانان را در اطلاعیه های بعدی باطلاع می رسانیم.

سازمان آزادی زن

ابتکار فمینیستی اروپا و کشورهای مدیترانه

اکتبر ۲۰۱۴

اطلاعیه سازمان آزادی زن

"امر به معروف نمیخوایم!" ...

خواست یک دنیای بهتر، انسانی تر، آزاد تر و برابرتر زنده است و مقاومت توده ای در قبال تلاش های دو قطب تروریسم، تروریسم اسلامی در هر شکل و عیابی و تروریسم دولتی بسرکردگی آمریکا نه یک رویای ایده آلیستی که یک واقعیت عینی زندگی در منطقه است. جنبش آزادی زن در منطقه جنبشی با پتانسیلی قوی و یک دشمن خستگی ناپذیر ارتجاع منطقه است. استقامت و تلاش دائمی جنبش آزادی زن در ایران به نور امید و الگویی برای زنان و آزادیخواهان منطقه بدل شده است.

اعتراض مردم آزادیخواه در اصفهان و تهران و مشهد گوشه ای از جنبش قوی آزادی زن در ایران است. سازمان آزادی زن خود را بخشی از این جنبش قوی، رادیکال و توده ای می داند. سازمان آزادی زن به اعتراض برحق و هشیارانه و متحد زنان و مردان در ایران علیه حکومت اسیدپاشان درود میفرستد.

فراخوان ما اینست که در دانشگاهها، مدارس، خیابانها و محلات، در کارخانه ها و صنایع بزرگ علیه بربریت و جنایت اسید پاشی به زنان اعتراض کنید. توی دهن امام جمعه اصفهان و مرتجعین اسید پاش بزنید.

زنده باد آزادی زن!

زنده باد آزادی و برابری!

ستم بر زن ممنوع!

سازمان آزادی زن

۲۶ اکتبر ۲۰۱۴

نه به حجاب، نه به آپارتاید جنسی!



ستون سخنی با خواننده،

نسیم مار کسیم!

آذر ماجدی

کردستان عراق، که در ابتدا از کمک به مردم کوبانی سر باز زده بود و نیروی نظامی خود را از منطقه درگیری با داعش عقب کشیده بود و کماکان بفر حفظ رابطه پر استفاده خویش با دولت اسلامی ترکیه و دولتهای غربی بود، پس از برجسته شدن حماسه توده ای کوبانی در رسانه ها و فشار اعتراضات در ترکیه و افکار عمومی بین المللی به دولت ترکیه و دولتهای غربی، خود را در موقعیت بسیار بدی یافت. یک آبرو ریزی دیگر، یک اسکاندال دیگر برای ناسیونالیسم کرد و دولت کردستان عراق. لذا دولت بارزانی نیز بصرافت استفاده تبلیغاتی از کوبانی افتاد.

ستاره موزیک پاپ کُردی، الی را در راس یک گروه از خواننده های محبوب جوان همراه با گزارشگران برخی رسانه ها به کمپ آوارگان از کردستان سوریه فرستاد. گزارشی از این سفر بعلاوه مصاحبه ای با الی از تلویزیون فرانسه پخش شد. تصاویری از کردستان عراق، تبلیغات مسوومی در مورد ناسیونالیسم کرد و تلاش برای ریختن این حماسه تاریخی توده ای به جیب ناسیونالیسم کُرد. گویی این حماسه برای دستیابی به یک دولت مستقل شکل گرفته است و نه علیه داعش و برای دفاع از جان، حرمت و آزادی. این نان به نرخ روز خوردن و اپورتونیزم آشکار را باید افشاء کرد. مردم کوبانی دارند برای جان و حرمت و آزادی شان می جنگند و شایسته هر گونه حمایت و همبستگی هستند. اگر خواهان استقلال هم باشند، حق شان است. اما نباید اجازه داد که ناسیونالیسم قومپرست کُرد که مشغول چاپیدن مردم کارگر و زحمتکش در کردستان عراق است، این مقاومت قهرمانانه را

صفحه ۴

بمباران عراق و سوریه مدال ناجی مردم منطقه را به سینه بزند، وادار کرد که پس از چند روز ضد و نقیض گویی از کوبانی اعلام حمایت کند. حال که وادار به اعلام حمایت شده باید ورژن و تحلیل خود از این جنبش عظیم را به دنیا ارائه دهد. باید اطمینان حاصل کند که حماسه توده ای کوبانی به الگویی برای مردم حق طلب و بجان آمده بدل نشود. ورژن و تعبیر بورژوازی از حماسه توده ای کوبانی اگر جا بیافتد، این مقاومت توده ای را نیز برفع تروریسم دولتی و ناسیونالیسم کُرد خواهند چرخاند.

M & H و دولت ناسیونالیست کُرد!

در ابتدای شکستن سکوت غرب و رسانه های غربی و پخش عکس های زنان جوان اسلحه بدست، بویژه در مدیای اجتماعی، که با نیروی سیاه داعش می جنگیدند، اچ اند ام، کمپانی بزرگ لباس فروشی، با مشاهده هیجان و توجه عمومی نسبت به مقاومت مسلحانه مردم کوبانی و نقش زنان در آن، بلافاصله مانکن های خود را در لباسهای آلامد نظامی به نمایش گذاشت. این سوار شدن به قهرمانی و مشقت مردم برای سود بیشتر، در انسان احساس بیزاری و تهوع نسبت به سرمایه داری و سود طلبی بورژوازی را صد چندان می کند. خوشبختانه، این کمپانی که سودهای کلانش را مدیون استثمار وحشیانه نیروی کار زنان و دختران جوان پاکستانی، بنگلادشی، کامبوجی و ویتنامی است، سریعاً متوجه احساس نفرت کسانی که روی پولشان حساب می کرد، شد و عکس ها ناپدید شد.

بدنبال استفاده تبلیغاتی برای پول، شاهد استفاده سیاسی-ایدئولوژیک ناسیونالیسم قومپرست کُرد شدیم. دولت قومپرست

سفری به فرانسه آمده ام. فضای سیاسی-ژورنالیستی فرانسه و انگلستان همیشه متفاوت بوده است. نکته ای که توجه ام را جلب کرد میزان بالای انعکاس "رویداد کوبانی" در تلویزیون و بویژه رادیوها در فرانسه است. علیرغم هر بینش و زاویه تحلیلی، یک چیز روشن است، حماسه توده ای کوبانی مهر خود را زده است. در مصاحبه ای حول اوضاع منطقه، کوچنر؛ وزیر اسبق امور خارجه در ابتدای ریاست جمهوری سارکوزی، بر اهمیت کوبانی تاکید داشت، یک نکته قابل توجه در تحلیل او "جنگ مسلمانها (کوبانی) علیه مسلمانها (داعش)" بود؛ از این زاویه که این غرب نیست که دارد با داعش می جنگد، بلکه به زبان عامیانه "از خودشان است".

روز یکشنبه بخش مهمی از برنامه تحلیلی-گزارشی بعد از ظهر رادیو I در مورد پدیده کوبانی و نقش زنان بود. و بعد تلویزیون یک برنامه گزارشی از سفر ستاره موزیک پاپ کُردی "الی" به اردوگاه آوارگان کردستان سوریه نشان داد. در نگاه اول از اینهمه توجه و حمایت انسان شاد می شود. پس از نزدیک به یکماه سکوت در مقابل این حماسه تاریخی، مقاومت و جنگیدن علیه هیولای ارتجاع، بالاخره رسانه های بین المللی کم و بیش درباره آن صحبت می کنند و ضرورت حمایت از این مردم تاکید می شود.

اما مساله به اینجا ختم نمی شود. بورژوازی بسیار زیرک و توانا است. حال که یک حماسه مقاومت توده ای این چنین توجه و حمایت توده ای را بخود جلب کرده است: تظاهرات پی در پی و هیجان انگیز در ترکیه، ایران، اروپا و بسیاری کشورهای دیگر، حتی در افغانستان زیر چشمان مسلح طالبان، تروریسم دولتی را که این هیولا را بدنبال تحویل داده است و قصد داشت صرفاً با

برابری زن و مرد در تمام شئون اجتماعی!

مسلحانه توده ای در مقابل نیروی تا دندان مسلح ارتجاع اسلامی فرزند تروریسم دولتی، در تاریخ به ثبت رسید و نوری از امید و اتکاء به مردم را در قلبهای انسانهایی که جانشان از شرایط سرکوب و استثمار، کشتار و ویرانی سرمایه داری به لب رسیده، تاباند.

از این مردم که قهرمانانه برای حیات، حرمت و آزادی خویش می جنگند باید قاطعانه دفاع کرد.*

کنند. می کوشند به ناسیونالیسم ربطش دهند، اما خود می دانند که این پاسخگو نیست. چگونه است که در این شهر کوچک بقول کوچنر "مسلمان دارد با مسلمان می جنگد" اما در نقطه دیگری چنین پدیده ای رخ نداد؟ در این فضای گیجی و معما است که جایی برای مارکس و کمونیسم و لنین در تبلیغات باز می شود. این هیچ نیست جز نسیم مارکسیسم، انقلاب اکتبر، آزادیخواهی و برابری طلبی کمونیسم. حماسه مقاومت

نسیم مارکسیسم ...

دستمایه سودبری و چاپیدن بیشتر خود کند. ناسیونالیسم و مذهب دو رکن مهم ارتجاع، عقب ماندگی و محرومیت و بیحقوقی میلیونها انسان هستند و باید دستشان را در مقابل مردم باز کرد.

مارکسیسم لنینیسم و ارتش سرخ

در برنامه رادیویی با چند نفر "صاحبنظر" در مورد رویداد کوبانی، چرایی آن و نقش زنان در ارتش توده ای گفتگو می شد. نکات مختلفی در مورد تاریخ منطقه، تقسیم کردستان میان کشورهای مختلف، مبارزه برای استقلال و غیره گفته شد. آنچه یکی از مصاحبه شونده ها در مورد نقش زنان گفت، جالب توجه بود. او گفت که "حزب" پ کا " یک حزب مارکسیست لنینیست است و بر مبنای الگوی ارتش سرخ زنان را مسلح می کند."

حزب پ کا کا ربطی به مارکسیسم یا لنین ندارد. حتی زمانیکه این حزب با افتخار خود را "مارکسیست لنینیست" می خواند هم ربطی به مارکسیسم یا لنین نداشت. اما اکنون ربع قرن پس از سقوط شوروی، خود این حزب نیز دیگر به آن سابقه اشاره ای نمی کند. تحت تاثیر تبلیغات جنگ سردی و پسا جنگ سردی، "مارکسیسم لنینیسم" عملاً به مترادف استالینیسم، سرکوب، توتالیتاریسم و امثالهم بدل شده است. اما این واقعیت که بیست و پنج سال پس از سقوط شوروی و بمباران تبلیغات ضد کمونیستی- ضد مارکسیستی، نقش تعیین کننده زنان در مقاومت مسلحانه توده ای در کوبانی به مارکسیسم - لنینیسم ربط داده می شود، و عملاً مقاومت توده ای در مقابل وحوش داعش که به پیشرفته ترین سلاح های آمریکایی مجهزند و با پوله های عربستان سعودی، قطر و اکنون فروش نفت عراق تامین می شوند، را به مارکس و لنین مربوط می کنند، از اینرو است که همه از "صاحبنظر" تا سیاستمدار دچار سرگیجه شده اند. این پدیده را نمی توانند و نمی خواهند آنچنان که هست توضیح دهند و تبیین

مبارزه با فحشاء

- مبارزه فعال با فحشاء از طریق از میان بردن زمینه های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی آن و مقابله قاطع با شبکه های سازماندهی فحشاء، دلالان، واسطگان و باج خورها.
- ممنوعیت اکید هر نوع سازماندهی فحشاء، دلالی، واسطگی و بهره کشی از افرادی که مبادرت به تن فروشی میکنند.
- غیر جنایی کردن زندگی و کار افرادی که دست به تن فروشی میزنند. کمک به بازیابی حرمت اجتماعی و احترام به نفس آنها و کوتاه کردن دست شبکه ها و باندهای جنایتکار از زندگی آنها از طریق:
- رفع ممنوعیت فروش سکس بعنوان یک شغل فردی و حمایت قانون و نهادهای انتظامی از این افراد در مقابل شبکه ها و باندهای گانگستری، باج خورها و اوباش.
- صدور جواز کسب برای افرادی که بعنوان یک شغل فردی مبادرت به تن فروشی میکنند، مصون داشتن شخصیت و حیثیت آنها بعنوان شهروندان محترم جامعه و کمک به سازمانیابی آنها در سازمان صنفی خویش.
- ارائه رایگان خدمات پزشکی ویژه پیشگیرانه و درمانی برای مصون داشتن این افراد از بیماری ها و صدمات ناشی از مبادرت به این حرفه.
- کار آگاهگرانه، ترغیب و مساعدت های عملی نهادهای مسئول دولتی به افراد تن فروش در کناره گیری از این حرفه، کسب مهارت و آموزش لازم برای اشتغال در بخش های دیگر جامعه.

از یک دنیای بهتر برنامه حزب کمونیست کار گری حکمتیست

مزد برابر در ازای کار مشابه!



آگاهند. از این رو است که تمام تلاشهای ستون پنجم رژیم اسلامی در جنبش آزادی زن، جریان ملی - اسلامی زن، هیچ تاثیری در کند کردن این جنبش نداشته است.

باید بجای یاسی که هجوم داعش به عراق بر قلبها و اذهان بسیاری حاکم کرده است؛ بجای ناامید شدن از شرایطی که سوریه، لیبی، مصر و تونس پس از خیزش های انقلابی توده ای به آن دچار شده، نور امیدی که از کوبانی تابیده می شود را دید و به آن چشم دوخت؛ باید به رژیم اسلامی نشان داد که نمی تواند با اعدام ریحانه ها، با اسید پاشی، با سرکوب خشن، با گرسنگی دادن به مردم، بر قدرت تکیه زند. مردم از این رژیم بیزارند و این را به هزار زبان اعلام کرده و می کنند. باید به زیرش کشید تا بتوان یک نفس راحت کشید؛ یک شب راحت خوابید و امید به یک دنیای آزاد، برابر و مرفه را در دلهای نه تنها مردم ایران، بلکه مردم منطقه زنده کرد. *

اعدام ریحانه

سلاحی برای سرکوب جنبش اعتراضی!

آذر ماجدی

بخور بخور، چاپیدن و قدرت خویش دفاع خواهد کرد. اعدام ریحانه قرار است همچون شوکی روانی تعللی، توقفی، مکثی در موج اعتراضی ایجاد کند تا هم شاید بخشی از مردم دچار یاس شوند و به خانه ها بازگردند و هم رژیم بتواند در این مکث خود را جمع و جور کند. این نقشه و هدف رژیم است. می تواند موفق شود و می توان آنرا نقش بر آب کرد.

علیرغم موج وسیع اعدامها و انداختن ارزل و اوباش "امر به معروف" به جان مردم، بویژه زنان و علیرغم اسید پاشی، رژیم اسلامی در موقعیت ضعیفی قرار دارد. قطعاً تا جان در بدن دارد از موجودیت خود دفاع خواهد کرد؛ اما یک جنبش توده ای وسیع با یک رهبری رادیکال، بصیر و مسئول کمونیست و در نهایت با الگوبرداری از مقاومت توده ای کوبانی می تواند آنرا به زیر کشد؛ می توان سرنگونش کرد؛ می توان به جهنم واصلش کرد. جنبش آزادی زن یک رکن مهم این مبارزه و تقابل است. جنبش آزادی زن بنا به ماهیت خویش ضد رژیم اسلامی است. جنبش آزادی زن و رژیم اسلامی دو دشمن آشتی ناپذیرند؛ هر دو از این حقیقت بخوبی

دیروز ریحانه را اعدام کردند. در روزهای اخیر سرنوشت ریحانه را دنبال می کردیم، مثل عضوی از خانواده یا دوستانمان. نگران سرنوشتش بودیم؛ به رژیم اسلامی فحش و لعنت می فرستادیم؛ ریحانه به سمبلی از بی عدالتی، عقب ماندگی، ارتجاع، ضدیت با انسان و انسانیت رژیم اسلامی بدل شده بود. قلبهایمان در انتظار و دلواپسی برای ریحانه می طپید. اما گویی بنوعی می دانستیم که این رژیم کثیف جنایتکار این زن جوان را به دار خواهد آویخت.

بدنبال اعتراضات وسیع در گوشه و کنار کشور در حمایت از مقاومت توده ای کوبانی و زنان جوانی که در مقابل توحش اسلامی داعش اسلحه بدست گرفته اند و از حیات و آزادی خویش دفاع می کنند و در محکومیت حکومت اسلامی تحت نام داعش و سپس تظاهرات وسیع، خشمگین و پی در پی مردم در اعتراض به اسید پاشی اسلامی و با شعارهای صریح علیه آنچه با رژیم اسلامی تداعی می شود، حکومت اسلامی باید تدبیری می اندیشید؛ باید نشان می داد که "بیدی نیست که به این بادها بلرزد!" باید "سازش ناپذیری" و قلدر منشی خود را باثبات می رساند؛ روشن بود که قرعه بنام ریحانه می افتد. ریحانه باید قربانی می شد تا "قدر قدرتی" رژیم اسلامی به اثبات می رسید.

آزادی زن

نشریه سازمان آزادی زن

www.azadizan.net

سردبیر: آذر ماجدی

majedi.azar@gmail.com

هیئت تحریریه:

آذر ماجدی، سیاوش دانشور

از سایت جدید

سازمان آزادی

زن دیدن کنید!

www.azadizan.org

با اعدام ریحانه، رژیم اسلامی قصد دارد که شوکی به جامعه وارد کند تا شاید ترمزی بر موج اخیر اعتراضات و تظاهرات ضد اسلامی و ضد رژیمی بزند. به مردم یادآور شود که "این تو بمبیری، از آن تو بمبیری ها نیست!" اگر در تظاهرات علیه داعش و در حمایت از مقاومت توده ای قهرمانانه در کوبانی نیروی سرکوب عمدتاً نظاره گر بود؛ اگر در تظاهرات علیه اسید پاشی سرکوب گسترده و به نسبت رژیم اسلامی سنگین نبود؛ رژیم با چنگ و دندان از حاکمیت،

تقابل با اسلام سیاسی یک جبهه مهم جنبش آزادی زن!



را به "یک دیوانه"، "یک فرد"، "یک خودسر" و هر کسی ربط دهند بجز حکومت اسلامی. اما کور خوانده اند. مردم اسید پاشان را میشناسند. مردم آزادیخواه انگشت اتهام را بسوی امام جمعه و نهادهای مخوف و سرکوبگر امنیتی و اطلاعاتی و اوباش رژیم نشانه رفتند و در قدم اول نقشه های جمهوری اسلامی را برای

معرفی چند "خودسر" و ایجاد ارباب در جامعه توی صورتشان کوبیدند.

رابطه حجاب و اسید

داستان حجاب در ایران با قمه و پونز و تیزبر و اسید بر صورت و بدن زنان نوشته شده است. هر فرقه اسلامی که محله ای، قصبچه ای، دهاتی و یا شهری را کنترل میکند، ابتدا حجاب را بعنوان پرچم آپارتاید اسلامی و قوانین شریعه را بعنوان ارکان ضدیت اسلام با زن جاری و تحمیل میکند. در ایران نیز پدرخوانده ها و پیشکسوتان طالبان و داعش همین کار را کردند. حجاب در ایران با فرمان حجاب خمینی و سرکوبی خونین تحمیل شد. تحمیل حجاب در ایران با اسید پاشی و تیزبر زدن و قمه کشی و پونز کوبیدن به سر زنان ثبت شده است. چاقو و پونز و اسید و شکنجه و تجاوز در زندانها همه جزو تاریخ تحمیل حجاب در ایران اند. اینها جدید نیستند. اینکه بعد از بیش از سه دهه حکومت اسلامی سر جای اول خود برگشته است و ناچار است برای تحمیل حجاب اسید پاشی کند، معنی اش بسیار روشن است: جمهوری اسلامی در تحمیل حجاب به زنان شکست خورده است. جمهوری اسلامی در تحمیل قوانین اسلامی به زنان شکست خورده است. جامعه ایران طوق لعنت اسلام را نپذیرفته و نخواهد پذیرفت. حجاب و قوانین اسلامی در این سه دهه روزگار زنان را سیاه کرده است اما نتوانسته است بعنوان یک داده جامعه فرض گرفته شود. چون حکومت اسلامی ناچار است همواره یک ارتش ضد زن، گردانهای اوباش و قاتلین را برای نگاه داشتن حجاب برسر زنان و حفظ صورت ظاهر "جامعه اسلامی" در خیابانها آماده باش نگهدارد. این حکومت حتی یکروز هم نمیتواند بدون سرکوب حجاب را برسر زنان نگهدارد. استیصال اسید پاشی بعد از گذشته بیش از سه دهه از این ناتوانی حکومت اسلامی سرچشمه میگیرد. استیصالی که حتی قدرت داعش را هم ندارد و مسئولیت اعمالش را نمیتواند بدون وحشت بعهده بگیرد. واقعا مردم اصفهان این رژیم را خوب میشناسند و چه روشن و درست گفتند: "ای کمتر از داعشی، اسید به ما می پاشی؟"

حجاب و اصلاح طلبان حکومتی

جنایت اسید پاشی حکومتی ماهیت ریاکارانه اصلاح طلبان حکومتی و دولت روحانی را بیش از پیش افشا کرد. اعتراض وسیع مردم اصفهان برای امنیت و آزادی و شعارهایشان علیه ارگانهای حکومت میخی دیگر بر تابوت پروژه "اعتدال اسلامی" روحانی و شرکا کوبید. این اعتراضات و فضائی که ایجاد شده تا هم اکنون پروژه مضحکه انتخابات مجلس اسلامی را در سال آینده در هاله ای از ابهام فرو برده است. تحمیل حجاب با زور اسید مثل تحمیل اسلام است با زور سربریدن و برده داری

صفحه ۷

"حجاب، اسید، اسلام و قانون"

حکومت اسید پاش نمیخوایم!

سیاوش دانشور

روز شنبه سوم آبان مردم در شهرهای مختلف ایران بویژه اصفهان و تهران و مشهد تلاش کردند با تجمع و شعار دادن علیه حکومت اسید پاشان و پروژه اسید پاشی اسلامی اعتراض کنند. جمهوری اسلامی از وحشت مشت گره کرده زنان و مردان آزادیخواه به ایجاد فضای امنیتی و فوق برنامه، بگیر و ببند، تحریک و تهدید از رسانه ها و سرکوب معترضین پرداخت. اوباش اسلامی و نیروهای سرکوب با باتوم، اسپری، شوکر الکتریکی، گاز اشک آور و زبان کثیف اسلامی و ضد زن برای برخورد با مردم استفاده کردند. در این شهرها تعدادی از معترضان توسط نیروهای انتظامی و لباس شخصی مضروب شدند.

در تهران و مشهد و اصفهان تعدادی از معترضین دستگیر شدند. جمهوری اسیدپاش اصرار دارد که بین اسید پاشی و حجاب ارتباطی وجود ندارد. بین اسید پاشی و گروهها و اوباش "امر به معروف و نهی از منکر" ارتباطی وجود ندارد. نه فقط چنین ارتباطی وجود ندارد بلکه هر نوع اشاره و بحث و ایجاد ارتباط بین ایندو "جرم" و "خلاف قانون" است. خواهان تحت تعقیب قرار گرفتن و مجازات رسانه هائی شدند که بنوعی رابطه ای بین اسید پاشی و "بد حجابی" برقرار کردند. "آریا جعفری" مسئول سرویس عکس ایسنا در اصفهان را که تعدادی عکس اعتراض پرشکوه زنان و مردان در اصفهان را منتشر کرده است، بدستور "شورایعالی امنیت ملی" دستگیر شد. همینطور با "شهامت" خبر دادند که رد دو سه نفر را در جنوب گرفته اند که شایعه و اخبار نادرست از اینترنت پخش کردند و "تیم ویژه" ای برای دستگیری آنها اعزام کردند. اما هنوز اسیدپاشان راست راست راه میروند!

سناریوی نخ نما

سناریوی حکومت اسلامی برای شانه خالی کردن از زیر بار مسئولیت اسیدپاشی به زنان بسیار کهنه و نخ نما است. در همین تابستان سال جاری بیشترین وقت این حکومت و دولت روحانی و مجلس اوباش و سخنرانی آخوندها در نماز جمعه ها روی حجاب متمرکز بوده است. مجلس اسلامی لایحه آزادی اوباشیگری برای گروههای "امر به معروف و نهی از منکر" گذرانده است. امام جمعه اصفهان بطور علنی دستور تهاجم قاطع به زنان را داده است. پروژه اسید پاشی کلید خورده و در همان اصفهان تعدادی را قربانی کرده است. چند روز از خامنه ای و روحانی تا رفسنجانی و خاتمی و کل حکومت در این زمینه سکوت کردند. وقتی مردم اصفهان خروشان شدند و انگشت اتهام را بسوی این اوباش ضد زن بردند، تلاش میکنند موضوع

اعدام قتل عمد دولتی است!

با حجاب و قوانین اسلامی است. آنچه که اینبار بطور جدی آغاز شده است طلایه قدرتمند انقلاب زنانه است که گورکن نظم آپارتاید اسلامی و جنسی در ایران است.

زنان در کوبانی، زنان در ایران

زنان در کوبانی، داعش این عصاره سیاه نظام سرمایه داری امروز را در هم میکوبند و زنان در ایران حکومت اسلامی پدرخوانده داعش و حزب الله و انواع نیروهای تروریست اسلامی و ضد زن را. هر دو به یک جنبش و جبهه های مختلف جنبش آزادی زن در خاورمیانه تعلق دارند. هر دو قدرت و فعال مایشائی اسلام سیاسی و تروریسم اسلامی را هدف گرفته اند. هر دو در جبهه مبارزه استراتژیک زنان علیه اسلام سیاسی در خاورمیانه مبارزه میکنند و هر دو جلوه های شکوهمند انقلاب زنانه در خاورمیانه اند.

اسید پاشی و سربریدن و تجاوز و برده داری اسلامی نیز وحشت از همین انقلاب زنانه است. درود به زنان و مردان آزادیخواه در اصفهان و مشهد و تهران و هر گوشه ایران. وقت آنست که زنان و مردان آزادیخواه در سراسر کشور در اعتراض به تروریزه کردن فضای جامعه توسط اسلاميون بپاخیزند. حکومت آپارتاید اسلامی در ایران با خمینی و فرمان حجاب و اسید پاشی مستقر شد و با خامنه ای و اسید پاشی گور خود را می کند. حرف مردم روشن است: حکومت اسید پاش نمیخوایم! *

از شعارهای مردم اصفهان:

"مرگ بر داعش های ایران"، "به دادستان اصفهان: دروغگو، دروغگو!"، "امنیت، آزادی، حق زن ایرانی"، "اسید پاشی قطع نشه ایران قیامت میشه"، "حجاب به زور نمی‌شه، ایران عراق نمی‌شه"، "تنگ ما تنگ ما مجلس شورای ما"، "ای خواهر قربانی، در قلب ما میمائی"، "ای دختر ایرانی حمایت می‌کنیم"، "دادستان حیا کن صندلیتو رها کن"، "وزیر اطلاعات، خجالت خجالت"، "با حجاب بی حجاب، اسید پاشی نمی‌خوایم"، "لایحه امر به معروف نمی‌خوایم"، "اصفهان شهر ماست، امنیت حق ماست"، "زاینده رود خشک شده، اسید پاشی مد شده"، "امنیت، آزادی، حق مسلم ماست"، "ای کمتر از داعشی، اسید به ما می‌پاشی؟"، "اسید پاش مزدوره، امنیت از ما دوره"، "نترسید نترسید ما همه با هم هستیم"، "دونستن حقیقت حق مسلم ماست"، "مرگ بر تروریست اسید پاش"، "قوانین ضد زن ملغی باید گردد"، کثافتها هم اسید می پاشند و هم میزنند!"

تلویزیون آزادی زن

هر یکشنبه ساعت ۱۸/۳۰ بوقت تهران از شبکه هات برد

مگاهرتز: ۱۱۶۴۲ سیمبل ریت: ۲۷۵۰۰

KMTV

"حجاب، اسید، اسلام و قانون"

حکومت اسید پاش نمیخوایم! ...

داعش. اگرچه اینها پدرخوانده داعش و حکومت داعش پرور هستند، با هیچ قدرتی اینروزها نمیتوان ماهیت همسان و ارتجاعی و ضد زن اسلاميون حاکم در ایران و داعش را تفکیک کرد. وحشت تداعی شدن اسلام بطور کلی با داعش، مسئله ای است که اینروزها رسانه ها عرق میریزند تا مردم را قانع کنند که "بین اعمال داعش و اسلام ارتباطی وجود ندارد". از جناب اوباما و تونی بلر تا سران باندهای اسلامی در مصر و منطقه با کمک رسانه های غربی تلاش دارند که حساب اسلام و داعش را جدا کنند. همین خط مشی اصلاح طلبان حکومتی و توده ایستهاست. آنها تلاش دارند با تقسیم اسلام به "اسلام میانه رو" و "اسلام افراطی و فاندمانتالیست" و بقول جمهوری اسلامی "تکفیری ها"، حساب اسید پاشی حکومتی را از دولت روحانی و اصلاح طلبی و اسلام جدا کنند. هم اسیدپاشان و هم اصلاح طلبان هر دو برای بقای نظام عزیزشان جد و جهد میکنند اما این جماعت اصلاح طلب نقش منفی تری از اسید پاشان در بقای اسلام و حکومت اسید پاش دارند. اسید پاش ضد زن هویت اش معلوم است اما اینها تلاش دارند از اربابان اسید پاشان دفاع کنند تا مقابل موج جدید انزجار از اسلام سدی ایجاد کنند. زنان در اصفهان بسیار روشن پاسخ کل این تمهیدات را با شعارهایشان دادند: "کثافتها هم اسید می پاشند و هم میزنند!"

قانون، کدام قانون؟

قانون اسلامی همان هجویاتی است که توسط آخوندها و نهادهای حکومتی تصویب شده است. قانون نمایش اعمال اراده قدرت طبقه حاکم و حاکمیت سیاسی و اقتصادی و فرهنگی شان است. قانون واقعی اما همواره فرق دارد. قانون نوشته قانون واقعی در هر جامعه است که با هر تناسب قوا خود را بیان میکند. تا به مردم در ایران برمیگردد، بخش عظیمی و مشخصا زنان قوانین اسلامی را برسمیت نمی شناسند و آگاهانه و عمدانه آنرا زیر پا میگذارند. زنان سمبلهای آپارتاید اسلامی و چهارچوبهای عهد بوقی را برسمیت نمی شناسند و با هر بهای سنگینی که تاکنون پرداخته اند زیر بار قلدری اسلامی نرفته اند. تمام تلاش حکومت برای تفکیک اسید پاشی از حجاب و "امر به معروف" اینست که بگوید قانون سرچایش است و در عین حال جرات نداریم که به اجرای قانون به زور اسید پاشیدن اعتراف کنیم! این یعنی قدرت واقعی و قانون واقعی خلاف آنچه است که در زرق و برق ظاهر نهادها و دیپلماسی و ماشین سرکوب خود را هر روز نشان میدهد. اسید پاشی دوره جدید بعنوان یک پروژه حکومتی، بیانگر استیصال قانون رسمی در قبال قانون واقعی و نانوشته یعنی رابطه مردم با حکومت و مشخصا تقابل زنان

زنده باد مقاومت توده ای کوبانی!

علیه اسید پاشی حکومتی

گوتنبرگ

حکومت اسید پاش را

سرنگون کنیم!



همبستگی با کوبانی!

طی چند روز گذشته شهر گوتنبرگ سوئد شاهد تظاهرات ها و آکسیونهای همبستگی با مبارزه توده ای در کوبانی بوده است. سازمان آزادی زن با شرکت فعالانه در این گردهم آیی ها تلاش کرده است پیام همبستگی جنبش آزادی زن در ایران را با رزمندگان کوبانی شریک شود. روز ۱۳ اکتبر بیش از چهار هزار نفر از مردم آزادیخواه گوتنبرگ در همبستگی با مبارزات مردم در کوبانی در مارشی بزرگ شرکت کردند.

در گردهم آیی امروز از طرف سازمان آزادی زن کریم نوری سخنرانی کرد. کریم در بخشی از سخنانش گفت مبارزه در کوبانی الگویی از مبارزه علیه جنگ تروریستها در منطقه است. مبارزه ای که هیچ بدهی به ناسیونالیسم و تبعیض ندارد و از هویت انسانی نشات می گیرد.



جنبش آزادی زن در ایران خود را در کنار مبارزات زنان و مردان در کوبانی برای آزادی و برابری می داند و گرمترین دروها را برای شما دارد. هر چند نظام وارونه دنیای امروز کوبانی را تنها گذاشته اما کوبانی در قلب میلیونها آزادیخواه می تپد. زنده باد کوبانی!



Stor demonstration mot IS i Göteborg

Över 4 000 personer demonstrerade på söndagen mot Islamiska staten (IS) i Göteborg.



به سازمان آزادی زن پیوندید!